

بررسی تأثیرات کرونا ویروس بر بازیگران سیاسی با نگرش آینده پژوهی

علی شمس الدینی^۱

محسن جانپور^۲

میر نجف موسوی^۳

چکیده

با توجه به این که بیماری‌های واگیردار اغلب با فضای جغرافیایی کشورها در ارتباط هستند این عامل می‌تواند تحت عنوان علم جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا فضای جغرافیایی و کنش‌های انسانی از مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده این علم محسوب می‌گردند که بیماری کوئید ۱۹ نیز در ارتباط مستقیم با این دو عامل قرار دارد و از قدرت تأثیرگذاری بالایی بر فضاهای جغرافیایی از منظر سیاست داخلی و خارجی داشته است. مقاله حاضر به بررسی پیامدها و آینده تأثیرات شیوع کرونا بر وضعیت نظام‌های سیاسی و راهبردهای پیش‌روی بازیگران در برابر سناریوهای مختلف پرداخته است. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و نوع روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و پیمایشی است؛ که در آن از نظرات ۱۰ نفر از متخصصین جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک و علوم سیاسی بهره گرفته شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر تکنیک‌های آینده‌پژوهی از جمله تحلیل تأثیرات متقابل است. در این تحقیق برای ۵ عامل کلیدی مجموعاً ۲۵ حالت (عدم قطعیت) در نظر گرفته شده است. نتایج به دست آمده از نرم‌افزار سناریو ویزارد نشان می‌دهد که ۷ سناریو با سازگاری قوی و محتمل، ۳۸۶ سناریو با سازگاری ضعیف و ۹۶ سناریو ناسازگار پیش‌روی آینده تأثیرات شیوع ویروس کرونا بر وضعیت نظام‌های سیاسی وجود دارد، در مجموع ۳۸/۱ درصد وضعیت مطلوب و ۵۰ درصد نیز وضعیت نامطلوب داشته‌اند. از ۷ سناریوی محتمل، سناریوهای ۶ و ۷ دارای وضعیت مطلوب، سناریوهای ۱، ۲ و ۳ نامطلوب داشته‌اند و سناریوهای ۴/۵ نیز دارای وضعیت بینابینی بوده‌اند. در بخش آخر راهبردهای پیشنهادی برای بازیگران برای حالت‌ها و سناریوهای پیش‌رو عبارت بودند از: بهبود و تقویت ساختارهای سیاسی و مناسبات داخلی و خارجی بازیگران برای آینده مطلوب، تعدیل مسئولیت‌های بازیگران و مناسبات داخلی و خارجی آن‌ها برای شرایط تداوم وضعیت موجود، بازآفرینی و بازساخت برای حالت نیمه بحرانی، تغییر و جایگزینی نظام سیاسی جدید در صورت اتفاق افتادن شرایط بحرانی.

کلید واژگان: کرونا ویروس، آینده‌نگاری، بازیگران سیاسی، حکومت‌ها

Ali.Shamsoddini@yahoo.com

Mousavi424@yahoo.com

Janparvar@um.ac.ir

۱. استادیار گروه جغرافیای انسانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی

۲. استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه ارومیه

۳. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۱- جستار گشایی

بیماری‌های واگیر حاکمیت و مرزهای کشورها را رعایت نمی‌کنند و به عنوان یک عامل فرامرزی شناخته می‌شوند. یکی از این بیماری‌ها کوئید ۱۹ می‌باشد. هم‌اکنون این بیماری به بیش از ۶۰ کشور جهان رسیده و پیامدهای اقتصادی به اندازه کافی آشکار است. شوک به اقتصاد به دلیل کاهش زنجیره تأمین جهانی از سوی کارخانه‌های چینی می‌باشد. OECD بیان می‌کند که شیوع طولانی و شدید این بیماری می‌تواند سبب سست شدن بنیان‌های سیاسی در کشورهای مختلف گردد. موضوع آشکار این است که کشورهایی که این بیماری را دست کم گرفته‌اند ممکن است با انفجارهای شدیدی در عرصه سیاست داخلی و خارجی روبرو شوند. چنین شرایط اضطراری احساسات عمومی شهروندان را بر می‌انگیزد و با توجه به اینکه اغلب اعتقاد دارند دولت مسئول حفظ امنیت جانی و مالی ملت‌ها است این عامل می‌تواند سبب بروز تنش‌های سیاسی گردد. با توجه به اینکه بیماری‌های واگیردار اغلب با فضای جغرافیایی کشورها در ارتباط هستند این عامل می‌تواند تحت عنوان علم جغرافیای سیاسی مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا فضای جغرافیایی و کنش‌های انسانی از مهم‌ترین عوامل تشکیل دهنده این علم محسوب می‌گردند که بیماری کوئید ۱۹ نیز در ارتباط مستقیم با این دو عامل قرار دارد و قدرت تأثیرگذاری بالایی بر فضاهای جغرافیایی از منظر سیاست داخلی و خارجی داشته است. به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا تبلیغات برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ادامه دارد و شیوع ویروس کرونا به عنوان یک عامل کلیدی و ابزار اصلی در این تبلیغات می‌تواند مورد استفاده سیاستمداران قرار گیرد یا از سوی دیگر بسیاری از شهروندان ژاپنی از عملکرد حکومت خود ناراضی هستند و این عامل می‌تواند بر سیاست داخلی و خارجی این کشور تأثیرات منفی قابل توجهی داشته باشد. در بین کشورهای اتحادیه اروپا نیز، کشور ایتالیا و اسپانیا دارای بیشترین مبتلا به ویروس کرونا در این منطقه بوده‌اند. بسته شدن مرزها، ممنوعیت ورود اتباع خارجی و دیگر اقدامات علیه کشورهای درگیر با ویروس کرونا باعث اختلال در روابط کشورهای این اتحادیه شده است. در واقع شکاف بین مردم و بین احزاب سیاسی سبب افزایش تحریک‌پذیری در عرصه ملی و بین‌المللی می‌گردد و بسیاری از کشورها تلاش می‌نمایند تا از طریق این ویروس فرصتی را برای نبرد با یکدیگر و کسب امتیازات سیاسی داشته باشند. این ویروس سبب شده است تا فرایند همبستگی جهانی و وحدت ملی کشورها در عرصه بین‌المللی با یک فاجعه روبرو شود. به عنوان مثال در طی یک هفته اخیر رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا دونالد ترامپ اعلام نموده است که این کشور بودجه سازمان بهداشت جهانی را متوقف خواهد نمود در حالی که پاسخ آژانس به بیماری کوئید ۱۹ را نیز بررسی خواهد کرد. ترامپ با انتقاد از پاسخ آژانس بین‌المللی از این شیوع بیان نموده است که یکی از خطرناک‌ترین و پرهزینه‌ترین تصمیمات سازمان بهداشت جهانی مخالفت با محدودیت‌های سفر بوده است. این سازمان بیان داشته که کشورهای مختلف باید برای پر نمودن شکاف

موجود در تأمین مالی مبارزه با کرونا ویروس شرکت نمایند و از این ویروس به عنوان یک ابزار سیاسی برای رسیدن به اهداف و کسب منافع خود بهره‌برداری نکنند. در واقع واکنش کشورهای مختلف نسبت به این بیماری همه‌گیر نیز مطابق با سیاست روزانه آنها بوده است. به عنوان مثال رژیم صهیونیستی برنامه‌ای برای ردیابی افراد آلوده یا مشکوک به این عفونت را تنظیم نموده است و این نوع نظارت برای این رژیم موضوع جدیدی نیست اگر چه توسط پزشکان نیز مورد انتقاد قرار گرفته و بیان می‌کنند که ردیابی به کنترل این ویروس کمک نخواهد نمود. یک چیز واضح است و آن این که ما در آستانه تغییرات و تحولات جدی در عرصه سیاسی - اجتماعی - اقتصادی هستیم. مطمئناً همه‌گیری این ویروس در سراسر اروپا منجر به سیاست‌های ناسیونالیستی خواهد شد. به عنوان نمونه راست افراطی در ایتالیا به سرزنش بیگانگان و مهاجران و پناهندگان به این کشور پرداخت که می‌تواند منبع این ویروس باشند. از سویی دیگر با نگاهی سیاسی به عواقب ناشی از این ویروس می‌توان پویایی سیاسی نوینی را در عرصه جهانی ملاحظه کرد. ما اعتقاد داریم که اگر یک ملت در حال جنگ با یک بازیگر خارج از مرزهای سرزمینی خود باشد به طور کلی یک بحران ملی به نفع افراد شکل خواهد گرفت. در چنین مواردی تظاهرات ملی‌گرایانه (ناسیونالیستی) در این کشورها دور از انتظار نخواهد بود. در طول یک بحران مردم یک کشور نیاز دارند تا ثبات سیاسی خود را از طریق رهبری که فرماندهی امور را بر عهده دارد تأمین نمایند؛ بنابراین ما مشاهده می‌کنیم در این مجبویه دونالد ترامپ تلاش می‌نماید تا از هر طریقی که شده است مبارزه با ویروس کرونا را به عنوان یک جنگ به ملت خود القا نماید. وی بیان کرده است که ما در جنگ هستیم و به معنای واقعی در حال جنگیدن با یک دشمن نامرئی به سر می‌بریم؛ بنابراین ترامپ در عرصه سیاسی از این ویروس به عنوان ویروس چینی استفاده می‌نماید. پس می‌توان مشاهده نمود که رهبران سیاسی کشورها نیز به دنبال بهره بردن از این ویروس در راستای اهداف و منافع شخصی خود هستند؛ بنابراین در این تحقیق با روش آینده‌نگری به دنبال تدوین سناریوهایی برای آینده بازیگران سیاسی جهان در مقیاس‌های فروملی، ملی، بین‌المللی و جهانی پس از کرونا هستیم. پس از بحران انرژی سال ۱۹۷۳ و به دنبال آن استفاده موفقیت‌آمیز شرکت نفتی شل از روش سناریونویسی که این شرکت را قادر نمود تا بتواند پاسخ مناسب و موثری را به بحران به وجود آمده دهد این روش مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران علوم مختلف قرار گرفت. استفاده از این روش به این دلیل است که سناریو قادر است پیچیدگی‌های جهان واقعی را نیز مد نظر خود قرار دهد و بینش‌های جایگزینی را برای آینده‌های ممکن فراهم آورد و ترتیب منطقی رویدادها را که امکان رخ دادن آنها در آینده است را به درستی فراهم آورد. مایکل پورتر سناریو را دیدگاهی در نظر دارد که دارای سازگاری درونی و محتوایی نسبت به آنچه در آینده رخ خواهد داد می‌داند؛ اما در این شوارتز سناریو را به عنوان ابزاری در نظر دارد که جهت نظم‌دهی به ادراکات افراد در ارتباط با محیط‌های بدیل آینده که تصمیمات فرد در آن محیط انجام خواهد شد می‌داند. با توجه به

این که اندیشیدن در مورد آینده برای داشتن عملکردهای مناسب و صحیح ضروری است لازم است تا واکنش‌ها و کنش‌های موجود در یک قلمرو سرزمینی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهیم. از این رو تصورهای آینده آرمان‌ها، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها می‌توانند به عنوان پیش‌بینی‌های فعلی ما در نظر گرفته شوند؛ بنابراین بررسی آینده جهانی پس از کرونا و تغییرات سیاسی مرتبط با آن از موضوعات مورد توجه است که از طریق تهیه سناریوهای مناسب و صحیح قابل بررسی و پیش‌بینی خواهد بود؛ بنابراین سناریونویسی تحت عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، ابزاری مناسب جهت تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده در نظر گرفته می‌شود.

۲- مبانی نظری تحقیق

ریچارد هارتشورن جغرافیای سیاسی را مطالعه تنوع پدیده‌های سیاسی در مکان‌های مختلف با توجه به تنوع در ابعاد و اشکال زمین می‌داند (هارتشورن، ۱۹۵۴: ۱۷۸). کوهن نیز بیان می‌کند جغرافیای سیاسی عبارت است از مطالعه ویژگی‌های فضایی فرایندهای سیاسی موجود در سطح زمین (کوهن، ۱۹۷۱: ۳۱). در تعریفی دیگر می‌توان به جغرافیای سیاسی از منظر چیدمان سرزمینی و همبستگی و پیوستگی بین نیروهای سیاسی در داخل مرزهای سیاسی یک کشورها و یا همبستگی بین تعدادی از کشورها با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی آنها بدانیم (دانشنامه بزرگ شوروی، ۱۹۷۹). از دیدگاهی دیگر، مجتهدزاده اعتقاد دارد جغرافیای سیاسی به بررسی اثر ناشی از تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تأثیرات آنها برای محیط انسانی، حکومت، مرز، مهاجرت و ... است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۶۲). آگنیو نیز جغرافیای سیاسی را مطالعه چگونگی کنش‌های متقابل بین جغرافیا و سیاست می‌داند و بر مفاهیم زیربنایی مانند قدرت، قلمرو، سرزمین و مکان تأکید دارد (آگنیو، ۲۰۰۳: ۶۰۳). کاسپرسون و میگنی نیز اعتقاد دارند که جغرافیای سیاسی به بررسی و مطالعه کنش‌های متقابل بین ساختارهای فضایی و منطقه‌ای با فرایندها و نظام‌های سیاسی می‌پردازد. در نهایت این که این علم به تحلیل فضایی پدیده‌ها می‌پردازد (کاسپرسون، ۲۰۱۱: ۳۷)؛ اما به صورت کلی شاید بتوان جغرافیای سیاسی را مطالعه برهمکنش انسان با بعد سیاسی طبیعت با هدف به سامان شدن فضای جغرافیایی در مقیاس‌های مختلف تعریف کرد. به بیانی دیگر، جغرافی دانان سیاسی تلاش دارند عوامل مؤثر بر به سامان کننده یا نابه سامان کننده فضاهای جغرافیایی را بشناسند و از طریق شناخت حرکت فضای جغرافیایی به سوی به سامان شدن سوق بدهند. در جهان کنونی برقرار نمودن روابط دیپلماتیک، قطع روابط سیاسی، منعقد نمودن قراردادها، عضویت در جوامع مختلف بین‌المللی و ... از سوی دولت‌های انجام می‌شود. فرض بر این است که دولت‌ها به عنوان نماینده از سوی ملت‌های خود به این اقدامات مشغول هستند و علاوه بر بازیگران رسمی ده‌ها سازمان، انجمن،

اتحادیه و شرکت‌های مختلف نیز بر این سیاست‌ها نقش دارند. در واقع در جهان کنونی دیگر نمی‌توان دولت ملی را به عنوان تنها بازیگر عرصه داخلی و خارجی محسوب نمود؛ بلکه در سطوح پایین‌تر نیز گروه‌هایی با خواسته‌ها و تمایلات مختلف وجود دارند که این خواسته‌های تحت تأثیر حکومت و اکثریت جامعه قرار می‌گیرد. سطح محلی نیز پس از سطح ملی قرار دارد که شامل حکومت‌های محلی می‌شود و این سطح نیز نمی‌تواند پاسخگوی خواسته‌های همه گروه‌های موجود در جامعه باشد و همانند سطح ملی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. بین این دو سطح، سطح دیگری از حکمرانی قرار می‌گیرد که با عنوان فروملی شناخته می‌شود. بازیگران فروملی در عرصه سیاست ورود یافته و ترجیح داده‌اند مسیرها و روش‌هایی را در سیاست خارجی برای تأثیرگذاری بر روابط بین‌الملل به کار گیرند. این بازیگران از وقایع بین‌المللی متأثر می‌شوند که این تأثیرها می‌تواند متفاوت از یکدیگر یا از دولت متبوع باشد (طباطبائی، ۱۳۹۷). این بازیگران داخلی در برگزیده بازیگران و نهادهای رسمی و غیررسمی متعددی می‌شوند که خواستار برخورداری از سهمی عمده در تماس‌های فرامرزی و متأثر از سیاست خارجی کشورها هستند. همچنین بازیگران فروملی می‌توانند عنصری یا پدیده‌ای نیز باشند و صرفاً مادی نیستند؛ اما در هر حال این شکل از کنشگران ترکیبی از ۲ عنصر متضاد است: از یک سو بر شبکه ارتباطات فراملی سوارند و از سوی دیگر حوزه عمل و اقدام آنها سرزمینی است (سجادپور، ۱۳۹۱). از اواسط قرن بیستم شاهد روندی فراگیر به سمت «غیردولتی شدن» یا «خصوصی شدن اقتدار سیاسی» بوده‌ایم. به طوری که دولت، قدرت شبه‌انحصاری خویش را از دست می‌دهد و دیگر تنها منبع اقتدار سیاسی محسوب نمی‌شود؛ بلکه بازیگران فراملی جدیدی نیز همانند شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و... در صحنه جهانی ظهور کرده‌اند که به‌طور روزافزونی دامنه تصمیم‌گیری و اقتدار سازمانی آنان رو به افزایش است. طی سه دهه گذشته شاهد چرخشی از همکاری بین دولتی و نهادهای بین‌المللی دولت‌محور به اشکال پیچیده‌تری از همکاری میان بازیگران دولتی و غیردولتی هستیم. در حقیقت از سال ۱۹۸۰ فرصت‌های رسمی و غیررسمی به منظور مشارکت بازیگران فراملی در فرآیندهای سیاستگذاری بین‌المللی و همکاری آنان با نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها افزایش یافته است. به گونه‌ای که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای از بازیگران فراملی در قالب کارشناسان سیاسی، ناظران و نمایندگان ذینفع و ارائه‌کنندگان خدمات بهره‌برداری می‌کنند (آجیلی، ۱۳۹۵). آینده‌نگاری دربرگیرنده مجموعه اقداماتی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع موجود، به الگوهای مورد قبول و عوامل ثابت و متغیر ترسیم آینده به صورت بالقوه می‌پردازد. آینده‌نگاری قادر است تا با تدوین سناریوهایی امروز و واقعیت جهان فردا را به تصویر بکشد و آینده‌هایی که به صورت مطلوب هستند را با برنامه‌ریزی مناسب و صحیح ترسیم نماید (Bell, 2008). آینده‌نگاری درواقع قادر است تا به معرفی و توصیف نیروهایی که می‌توانند بر تصمیمات تأثیرات قابل توجهی داشته باشند بپردازد (Glenn, 2009). در واقع این عامل کمک می‌نماید سیاست‌ها

و اقدامات مناسب مطابق با آینده مورد نظر از سوی سیاستمداران و برنامه‌ریزان در ابعاد و جنبه‌های مختلف گرفته شود؛ زیرا آینده‌نگاری می‌تواند با فراهم آوردن شواهدی در فرایندهای برنامه‌ریزی راهبردی مورد توجه قرار گیرد (Roney, 2011). سناریونویسی به‌عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳). سناریونویسی به‌عنوان یکی از تکنیک‌های مهم آینده‌پژوهی مطرح است که مبتنی بر رویکرد هنجاری است؛ سناریو روشی برای ترسیم آینده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸). هدف سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و عریض‌تر کردن طیف بدیل‌هایی است که می‌تواند مورد نظر باشد. در سناریونویسی، سناریوها به طرز ماهرانه‌ای گزینه‌های گوناگون آینده و چگونگی تحقق آن‌ها را ترسیم می‌کند و انواع احتمال‌ها درباره آینده موضوع را بیان می‌کند. برنامه‌ریزی بر پایه این سناریوها، یک ابزار مؤثر برنامه‌ریزی راهبردی برای برنامه‌ریزی بلندمدت در شرایط نامشخص است. این به ماکمک می‌کند تا با راهبرد مطلوب و مؤثر، اقدام به تدوین طرح‌ها برای موقعیت‌های غیرمنتظره و انتخاب مسیر درست و مناسب مربوط به مسائل کنیم (موسوی و کهنکی، ۱۳۹۶: ۱۱۳). با توجه به اینکه بحران همه‌گیری کرونا به‌عنوان یک عامل بیماری‌زایی مشترک در تمامی جوامع بشری و سازه‌های سیاسی فضایی مختلف شناخته می‌شود جای دارد تا با رویکرد آینده‌نگری به پیامدهای این بیماری بر آینده نظام‌های سیاسی در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته شود.

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. ماهیت داده‌ها کیفی و کمی و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، میدانی (پرسش‌نامه تأثیرات متقابل) و پیمایشی (در چند مرحله است). برای تحقیق حاضر ابتدا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای مهم‌ترین عوامل کلیدی تأثیرگذار شیوع ویروس کرونا بر وضعیت نظام‌های سیاسی و مناسبات سیاسی آن‌ها شناسایی شدند، در مرحله بعد وضعیت‌های احتمالی مختلفی برای هرکدام از عوامل کلیدی در نظر گرفته شد و مجموعاً ۲۵ حالت برای ۵ عامل کلیدی در نظر گرفته شد، بر اساس عوامل کلیدی و حالت‌های مختلف آن پرسش‌نامه‌ای به صورت متقاطع طراحی شد و در اختیار جامعه آماری تحقیق که ۱۲ نفر از متخصصان رشته جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و ژئوپلیتیک بوده‌اند قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی در چند بخش شامل پویش محیطی (برای جمع‌آوری شاخص‌های مربوطه) و تکنیک آثار متقابل (استفاده از نرم‌افزار سناریو ویزارد برای تدوین سناریو) است. وزن‌دهی به پرسش‌نامه به صورت مقایسه‌ای زوجی و میزان ارتباط بین متغیرها با اعداد بین ۳- تا ۳ بوده است. روایی این پرسش‌نامه توسط جامعه آماری مورد تأیید واقع شد. پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده را در نرم‌افزار سناریو ویزارد و از

طریق دستور Ensemble وارد شدند و در نهایت سناریوهای سازگار و ضعیف شناسایی و تحلیل شدند.

۴- یافته‌های تحقیق

در این بخش به منظور تدوین سناریوهای مؤثر در تأثیرات ویروس کرونا ۵ مؤلفه {نظام سیاسی (حکومت)، نظام‌های سیاسی بین‌المللی، نظام‌های سیاسی منطقه‌ای، سیاست‌ها و روابط بین‌المللی (سیاست خارجی)، سیاست‌ها و روابط داخلی (ناسیونالیسم ملی)} به عنوان پیشران‌های کلیدی در آینده تأثیرات ویروس کرونا بر بازیگران مختلف فروملی و فراملی انتخاب شده‌اند، در واقع این ۵ مؤلفه و پیشران کلیدی آینده سیستم بازیگران سیاسی را در ارتباط با شیوع و گسترش ویروس کرونا تعیین می‌نمایند، از این‌رو در مطالب بعدی در مورد هر یک از ۵ پیشران کلیدی تحقیق توضیحاتی ارائه شده است.

۱-۴- نظام سیاسی (حکومت)

نظام سیاسی یا حکومت تحت عنوان کشور مطرح می‌باشد که دارای جمعیتی با عنوان ملت است. در واقع حکومت به عنوان ابزاری که قادر است تا سیاست‌های دولت را مورد استفاده قرار دهد شناخته می‌شود و تعیین کننده سیاست‌ها و راهبردهای پیش روی کشورها نیز می‌باشد. تمامی کشورها توسط حکومت اداره می‌شوند و هر حکومتی که جایگزین حکومت دیگری شود از افرادی شکل می‌گیرد که تصمیمات سیاسی را اتخاذ می‌نمایند (Colin, 2007: 137) و بر اجرای آنها نظارت می‌کنند؛ بنابراین حکومت به عنوان یک رکن اساسی در تشکیل و تداوم و بقای کشورها و سازه‌های سیاسی فضایی شناخته می‌شوند. در این بین حکومت‌ها برای تداوم و بقای خود باید دارای شفافیت باشند؛ زیرا شفافیت سبب می‌شود تا مسئولیت‌پذیری افزایش یابد و اطلاعاتی که حکومت‌ها در اختیار شهروندان قرار می‌دهند باعث مشروعیت بخشی بیشتر به این نظام‌های سیاسی شود. علاوه بر این حکومت باید درصدد افزایش تعاملات با مردم برآید تا از این طریق قادر باشد کارایی خود را افزایش دهد و کیفیت تصمیمات سیاسی را ارتقا بخشد (McDermott, 2010: 403). تأثیرات گسترده این بیماری و میزان تأثیرگذاری آن بر جهان ما به گونه‌ای بوده است که توانسته است به صورت مستقل و متفاوت از سوی حکومت‌ها روش‌های متفاوتی اتخاذ شود. به عنوان مثال واکنش‌ها به کرونا در آلمان، ایتالیا و آمریکا و کره جنوبی به صورت متفاوتی بوده است و با هم تفاوت‌هایی دارد شاید دلیل آن میزان متفاوت شیوع این بیماری بوده است. از سوی دیگر بین شیوع بیماری و کیفیت دموکراسی در کشورهای مختلف نمی‌توان ارتباطی پیدا نمود بلکه بیشتر بحث به آمادگی قدرت نظام‌های پزشکی و بهداشتی حکومت‌ها برمی‌گردد. به عنوان مثال کره جنوبی و آلمان سیستم بهداشتی بسیار قوی‌تری نسبت به ایالات متحده آمریکا و ایتالیا دارند و این امر سبب شده است تا موفقیت بیشتری در کنترل این بیماری کسب نمایند. ذکر این نکته نیز لازم است که

در رژیم‌های توتالیتر و تمامیت‌خواه عملاً چیزی به نام شفافیت اطلاعات وجود ندارد و همین عامل سبب شده است تا نتوان به میزان اطلاعات بیان شده از سوی این کشورها اعتماد نمود و میزان مرگ و میر اعلام شده از این بیماری را کمتر از میزان واقعی در نظر گرفت. معمولاً در ساختار چنین حکومت‌هایی اصل بر این است که اطلاعات اصلی به صورت محرمانه باقی بماند اما در کشورهای دیگر که آگاهی شهروندان و مسئولیت‌پذیری آنان در حد قابل قبول وجود دارد و در مقابل حقوق اجتماعی خود متوقع هستند تلاش می‌شود تا شهروندان اقناع شده و بتوانند آمار صحیح را برای پیروزی‌های بعدی خود در عرصه سیاسی به ملت انتقال دهند. با این حال نمی‌توان همه چیز را به دموکراسی مرتبط دانست. آلمان و کره جنوبی نیز کشورهای دموکراتیکی هستند که در برخورد با کرونا به خوبی عمل نموده‌اند اما نمی‌توان بیان نمود که در آمریکا و ایتالیا این موضوع به علت نبود دموکراسی رخ داده است. بلکه می‌توان میزان شیوع گسترده در آمریکا را به علت حاضر نشدن سران ایالات متحده در سازمان بهداشت جهانی برای دریافت نمودن هشدارهای به موقع در ارتباط با شیوع کرونا دانست. همین امر سبب شده تا اتخاذ تدبیر در مقابل کرونا هزینه‌های بالایی را بر کشورها تحمیل نماید و در این بین کشورهایی با دموکراسی غربی دولت اجتماعی و ارائه نمودن خدمت به مردم موفق‌تر و سریع‌تر از آمریکا حرکت نمایند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت امروزه حکومت‌ها به عنوان مهم‌ترین بازیگران سیاسی فضا به شمار می‌آیند که بیشترین مسئولیت مقابله با تبعات منفی این ویروس را بر عهده دارند و به نوعی بیشترین انتظارات هم متوجه آنهاست. حکومت‌ها نیز به روش‌های مختلف سعی در کنترل تبعات این ویروس بر روی فضاهای تحت امر خود دارند، در این بین برخی نظام‌های سیاسی همانند کشورهای اسکاندیناوی و برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا همانند کره جنوبی، سنگاپور، تایوان با مدیریت مناسب فضا تا حدودی عملکرد خوبی داشته‌اند، اما مدیریت سیاسی فضای برخی از مناطق دیگر از جمله کشورهای اروپایی برای مقابله با این بحران نامناسب بوده و به نوعی دچار نابسامانی و آشفتگی در برابر تبعات این ویروس شده‌اند؛ بنابراین به طور کلی می‌توان گفت این ویروس مدیریت سیاسی و حکومت‌های حاکم را با چالش جدی مواجه کرده که هر چقدر این چالش تداوم یابد سطح پایداری حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی حاکم هم کاهش پیدا خواهد کرد، بر این اساس می‌توان گفت نقش نظام‌های سیاسی (حکومت‌ها) در مهار و کنترل این ویروس و تبعات آن بر فضای جغرافیایی بسیار پررنگ است.

۲-۴- سیاست‌ها و روابط داخلی (ناسیونالیسم ملی)

این واژه نخستین بار در سال ۱۴۰۹ در دانشگاه لاپزیک ذکر شد. ناسیونالیسم یکی از قوی‌ترین و قدرتمندترین شاخص‌های قدرت سیاسی محسوب می‌گردد. حتی در دوره باستان نیز می‌توان نشانه‌هایی قوی از ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر ناسیونالیسم به معنای مدرن امروزی را نیز مشاهده نمود. این عامل

نشان دهنده حس تعلق به یک گروه خاص فراتر از خانواده، قبیله و ... است. ناسیونالیسم می‌تواند پیامدهای سیاسی داشته باشد. در واقع این عامل می‌تواند به عنوان یک ایدئولوژی دارای جهان‌بینی خاصی باشد که از مجموعه‌ای از ایده‌ها و ارزش‌های منسجم گذشته شاکله یافته است. هرگز اعتقاد دارد که ناسیونالیسم مطمئناً یک گزینه انسانی است که بیش از هر چیزی دیگری در شرارت‌های انسان مدرن نمود یافته است. شفر نیز بیان می‌کند که احساسات گروهی و جمعی بشریت بسیار کهن می‌باشد بنابراین ناسیونالیسم ملی به نوعی در اواخر قرن مدرن به صورت قدرتمندتری ظهور پیدا کرده است. از سویی دیگر هاینز استدلال می‌کند که ناسیونالیسم متفاوت از میهن‌پرستی است و تنها تحت شرایط خاص اجتماعی در دوره مدرن فراگیر شده است. والزر نیز در همین راستا بیان می‌دارد که تعهد افراد و گروه‌ها به تاریخ، فرهنگ و هویتی خاص یک ویژگی دائمی در زندگی بشر محسوب می‌گردد و نابودی آن فراتر از هرگونه قدرت سرکوبگرانه است (Kecmanovic, 1996: 15). ویروس کرونا، سبب تغییرات و تحولات عمده‌ای بر سیاست خواهد شد. ما می‌توانیم بیان نماییم که این ویروس قادر خواهد بود تا ناسیونالیسم را در دولت‌ها تقویت نماید و در نتیجه ملت‌ها به دولت‌های ملی اعتماد بیشتری کنند از نظر آنها قدرت این دولت‌ها در مهار ویروس می‌تواند از تأثیرات قابل توجهی برخوردار باشد. در این بین نیز دولت‌ها در تلاش هستند تا برای مقابله با دوره‌هایی از انزوای اقتصادی ناشی از این ویروس خود را آماده نمایند و ابعاد و جنبه‌های دولتی را تقویت کنند. این عامل سبب می‌شود تا حداقل برای چند سال بیشتر دولت‌ها به سمت عرصه ملی و داخلی خود گرایش داشته باشند و به آنچه درون مرزهایشان اتفاق می‌افتد تمرکز بالاتری یابند. دولت‌ها از این طریق به خودکفایی بیشتر فکر نمایند و منابع بیشتری به داخل اختصاص دهند و کمتر فرصت انجام تعهدات بین‌المللی از جمله مناسبات و تعهدات مرتبط با تغییرات آب و هوایی و تغییر اقلیم را یابند، در این میان ایده جهانی شدن دیگر کمتر مناسب شرایط امروز جهان می‌باشد، از سویی دیگر همکاری‌های بین‌المللی نیز دچار چالش خواهند شد. ناسیونالیست‌ها و ضد جهانی‌گراها قدرت بیشتری خواهند یافت و امنیت و نظارت نقش مهمتری در مناسبات ملی کشورها ایفا خواهد نمود. به صورت کلی در این زمینه می‌توان دو رویکرد متفاوت را در سطح فضا مشاهده نمود، در برخی از فضاها که به نوعی دارای همبستگی داخلی هستند و جامعه یکدست‌تری دارند همگرایی جامعه در ارتباط با بروز و شیوع ویروس کرونا منسجم‌تر و سیاست‌های داخلی بازیگران سیاسی به نوعی به سمت به سامان شدن فضا سوق داشته است، به عبارت دیگر شیوع ویروس کرونا در فضاهای همگن منجر شده که سیاست‌های داخلی حکومت‌ها در مدیریت مناسب فضای داخلی در مقابله با ویروس کرونا به سمت به سامان‌تر شدن فضا باشد. از سوی دیگر فضاهای که به صورت‌های مختلف قبل از شیوع این ویروس دارای شکنندگی ناشی از عدم همگنی بوده‌اند با بروز مشکلات ناشی از شیوع این بیماری

فضای ناهمگن ناشی از عدم سیاست‌های نامناسب داخلی شکنندگی فضا را به سمت بحران پیش برده است؛ بنابراین در این زمینه می‌توان گفت نحوه تقابل با بیماری کرونا تحت تأثیر سیاست‌های داخلی بازیگران سیاسی بوده است.

۳-۴- سیاست‌ها و روابط بین‌المللی (سیاست خارجی)

جهان مدرن بر اثر جهانی شدن با سرعت بالایی در حال گسترش تعاملات روزافزون خود بین کشورهای مختلف است؛ بنابراین باید نوعی از سیاست وجود داشته باشد تا کشورها قادر باشند در ارتباط با یکدیگر به صورت نظام‌مند آنها را به کار گیرند. بدون سیاست خارجی گویا کشورها بدون کشتی در اعماق دریا و بدون هیچگونه آگاهی و راهنمایی غرق خواهند شد. سیاست خارجی به عنوان راهنمای یک دولت در تحقق اهداف و منافع ملی خود و به دست آوردن جایگاه مناسبی در روابط بین‌المللی محسوب می‌گردد (Bojang, 2017). در تعریف سیاست خارجی هارمان^۱ بیان می‌کند که این نوع سیاست به معنای اقدام هدفمندانه‌ای است که بر تصمیم‌گیری در سطح فردی یا گروهی تأثیرگذار خواهد بود؛ بنابراین هارمان سیاست خارجی را به نوعی رفتار دولت‌ها در نظر می‌گیرد. جورج مدلسکی^۲ نیز سیاست خارجی را به عنوان یک سیستم از فعالیت‌های تحول یافته از سوی کشورها تعریف می‌نماید که این کشورها فعالیت‌ها و عملکردهای خود را متناسب با محیط بین‌المللی تنظیم می‌نمایند. وی تأکید می‌کند که فقط آن بخش از سیاست‌هایی هدف است که سبب تغییر رفتار دولت‌ها به عنوان اهداف اصلی در سیاست خارجی شوند. با این حال سیاست خارجی نه تنها در حال تغییر است بلکه در زمان‌های مختلف نیز به صورت متفاوتی نمود یافته است (AS, 2018: 2). ظهور کروناویروس شرایطی را فراهم آورده است تا کشورهایی مانند چین و ایالات متحده آمریکا بتوانند با یکدیگر همکاری نمایند. در این بین ایالات متحده ۱۰۰ میلیون دلار برای کمک به کشورهایی از جمله چین برای مبارزه با شیوع ویروس کمک نموده است و ۱۷/۸ تن تجهیزات پزشکی را به این کشور اهدا نموده است. تعدادی از شرکت‌ها و مؤسسات خیریه در ایالات متحده آمریکا نیز کمک‌هایی را به کشورها داشته‌اند. واشنگتن پروازهایی را برای تخلیه شهروندان خود از ووهان چین که مرکز گسترش این بیماری بود برقرار نموده است. از سویی دیگر پاکستان در سیاست خارجی خود تأکید نموده است که ما با همبستگی کامل در کنار چین خواهیم بود؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که شیوع ویروس می‌تواند شکل جدیدی از روابط و سیاست خارجی کشورها را پدید آورد که بر آن بر همکاری مشترک و ایجاد همدلی تأکید شده است. به طور کلی در این زمینه می‌توان گفت هر چند که در ظاهر امر کمک‌ها و تبادلاتی بین بازیگران سیاسی ناشی از این بیماری شکل گرفته اما به صورت کلی سیاست‌های خارجی کشورها در این زمینه بر اساس ساختار قدرت کشورها بوده به عنوان مثال می‌توان گفت کشور آمریکا با متهم کردن کشور چین به عدم ارائه

1. Hermann

2. George Modelski

آمار و اطلاعات دقیق در مورد زوایای مختلف این بیماری مسائل و مشکلات ناشی از آن بر فضای جهانی را ناشی از کم کاری کشور چین در ارائه اطلاعات دقیق و به موقع عنوان کرده و یا مباحثی که مشاور اقتصادی رئیس جمهور آمریکا در مورد سود هنگفتی که کشور چین از قبل شیوع کرونا و فروش ماسک های ناشی از آن کسب نموده باعث واکنش چین به این اظهارات شده و به نوعی مشکل آفرین شده است. نوع دیگری از مناسبات خارجی بازیگران تحت تأثیر این بیماری بر اساس سطح نیازمندی آن بازیگر به جلب نظر بازیگری به نام آمریکا یا چین بوده است، مثال کشور پاکستان که در اول این بحث آمد که رویکرد سیاست خارجی خود را در دفاع از چین قرار داده ناشی از روابط سطح بالای دو کشور باهم بوده و این اظهارات دستگاه دیپلماسی پاکستان به نوعی در راستای تحکیم روابط با کشور و بازیگر قدرتمندی به نام چین بوده است. در این زمینه کارکرد سیاست خارجی کشور ایران نیز تا حدودی بر همین اساس که هدف آن جلب نظر بازیگری به نام چین با اعلام حمایت از آن بوده است؛ بنابراین در زمینه مناسبات خارجی بازیگران سیاسی می توان گفت بیشتر کشورها بر اساس علایق و سطح مناسبات خود با دیگر بازیگران تعامل و کنش داشته اند.

۴-۴- نظام های سیاسی منطقه ای

به موازات گسترش همکاری های منطقه ای بین کشورهای مختلف جهان در اواسط دهه ۱۹۶۰ ما شاهد شکل گیری سازمان های مختلف منطقه ای هستیم. به عنوان مثال در قاره آسیا بسط و گسترش انواع همکاری ها در زمینه های اقتصادی، تجاری، مالی و ... باعث تشکیل سازمان های منطقه ای مختلفی شده است (چانگ، ۱۳۸۸: ۲۱). در واقع در ادبیات روابط بین الملل نظام های منطقه ای هنگامی می توانند مورد استفاده قرار گیرند که دولت های واقع در یک منطقه جغرافیایی دارای علایق و منافع مشترک باشند و از طریق سازمان های منطقه ای با یکدیگر انواع همکاری ها را در ابعاد مختلف داشته باشند؛ به عبارت دیگر همکاری متقابل چند دولت واقع در یک حوزه جغرافیایی که دارای اهداف مشترکی هستند مصداق تشکیل نظام های منطقه ای است (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۲). در واقع منطقه گرایی در شرایطی نمود می یابد که فرآیندهای سیاسی، سازمانی، ساختاری و اجرایی در ساختار یک منطقه تحولاتی را ایجاد نمایند و در واقع تشکیل دهنده هویت جدید به منطقه باشند (زکریا، ۱۳۸۸: ۴۲). همه گیری ویروس کرونا نشان می دهد که در مواقع اضطراری مردم به کشور خود باز می گردند و این عامل سبب می شود تا قدرت اقتصادی سازمانی و عاطفی یک سازه سیاسی فضایی افزایش یابد. دوم اینکه این بیماری شکنندگی زنجیره های عرضه جهانی را به خوبی نشان داده است و به سختی می توان باور نمود که کشورهای بزرگ و قدرتمند در این شرایط مجبور به وارد نمودن تجهیزات پزشکی خود باشند و دلیل سوم بدین صورت است که این بیماری همه گیر روند سیاسی در کشورها را از طریق بومی سازی تولید و کنترل نمودن سخت تر نواحی مرزی فراهم

می‌آورد. در شرایط فعلی کنترل‌های شدید مرزی می‌تواند سبب افزایش روحیه مردم در داخل کشور گردد البته این امکان نیز وجود دارد که همکاری‌های نزدیک بین‌المللی نیز از هم بپاشد و ناسیونالیسم مدنی در کشورها گسترش یابد و این امر می‌تواند فروپاشی اتحادیه اروپا را نیز به دنبال داشته باشد. به عنوان مثال می‌توان بیان نمود کنترل‌های مرزی شدیدی که بین آلمان و فرانسه بعد از شیوع این بیماری افزایش یافته است نشان دهنده این است که مرزهایی که بر اساس اتحادیه اروپا ناپدید شده بودند بار دیگر احیا شدند. یا به عنوان نمونه می‌توان بیان نمود که سیاستمداران برجسته در لهستان و ایتالیا و اسپانیا از اتحادیه اروپا انتقاد کردند که این اتحادیه قادر نبوده تا وعده هبستگی خود را محقق سازد؛ بنابراین می‌توان ملاحظه نمود که این بیماری می‌تواند سبب گسترش و توسعه ناسیونالیسم ملی در کشورها گردد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت شیوع این ویروس در سطح جهانی باعث شده که مناسبات بازیگران بر مبنای نگاه به درون بیشتر شکل داده شود که در آن هر کشور سعی دارد تا حد ممکن خود را از دنیای خارج جدا کند و از ورود بیشتر این بیماری به فضای خود جلوگیری و یا در صورت ورود سطح آن را کنترل نماید بر همین اساس مرزبندی‌های شدیدی در بین کشورها و فضاهای سیاسی به وقوع پیوسته و این امر به نوعی کارکرد نظام‌های سیاسی منطقه‌ای که در آن کنترل تردهای مرزی بین اعضای آن کمرنگ‌تر بوده، با چالش مواجه شود و بر همین اساس برخی از اعضای این سازمان‌های منطقه‌ای که با مشکلات بیشتری روبه‌رو بوده‌اند با مشاهده عدم همکاری و هیاری مناسب سایر اعضای سازمان‌ها و نظام‌های سیاسی منطقه‌ای با آن‌ها به سمت انتقاد و چالش با این نظام‌ها سوق داده شده‌اند.

۵-۴- نظام‌های سیاسی بین‌المللی

سیستم بین‌المللی با توجه به نوع ساختارهایی که دارد یک سیستم تغییرپذیر محسوب می‌گردد و دارای وابستگی بسیار بالایی به بازیگران سیاسی است. تغییر اساسی در سیستم بین‌المللی زمانی اتفاق خواهد افتاد که بازیگران سیاسی به شیوه‌های خود قواعد و هنجارهای سازنده را تغییر دهند و تعاملات بین‌المللی را در سیاست بین‌الملل دگرگون سازند؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که سیاست بین‌المللی زمانی دچار تغییر می‌گردد که اعتقاد و هویت بازیگران موجود در ارتباط با قوانین سازنده متحول گردد (Kosłowski, 1994: 218). نظام‌های سیاسی بین‌المللی در واقع نظام‌هایی محسوب می‌گردند که رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیت‌ها و خواسته‌های آنها به صورت بین‌المللی و در سطح کلان مطرح می‌باشد. در این بین یکی از سازمان‌های بین‌المللی که می‌تواند نقش مهمی در ارتباط با همه‌گیری این ویروس ایفا نماید سازمان بهداشت جهانی است. این سازمان شامل ۱۹۳ کشور است که بسیاری از کشورهای مستقل را تحت پوشش خود قرار داده و در واقع یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود که از نقش مهمی بر بهداشت جامعه جهانی برخوردار است. در این بحران ما شاهد هستیم که این سازمان نتوانسته است به نحو مناسبی اقداماتی برای پیشگیری از بیماری انجام دهد؛ یعنی در پی

شیوع کرونا، سازمان بهداشت جهانی نتوانست گامی مهم و اساسی برای مهار نمودن این ویروس بردارد. مهم‌ترین عامل شکست این آژانس بین‌المللی در برابر مقابله با بیماری همه‌گیر کرونا، سیاسی شدن موضوع کمک به کشورهای درگیر با این ویروس بود. ایالات متحده در عمل مانع از آن شد که کمک‌های دارویی و پزشکی مؤثر به ایران برسد. به نظر می‌رسد از آنجا که ایالات متحده سهم بالایی در تأمین بودجه‌های سازمان بهداشت جهانی دارد، در عمل این سازمان قادر نیست تا مستقل از سیاست‌های واشنگتن گام مهمی برای تأمین سلامت جهانی بردارد. به بیانی دیگر می‌توان گفت ماهیت اصلی این سازمان‌ها و نظام‌های سیاسی بین‌المللی کمک به کلیه کشورها و تلاش برای به سامان‌تر شدن فضای جهانی بوده است، اما به دلیل عدم برابری جایگاه بازیگران بین‌المللی در صحنه بازی جهانی، این سازمان‌ها به نوعی وام‌دار و تا حدودی دنباله‌رو و مطیع سیاست‌ها و برنامه‌های این بازیگران قدرتمند بوده است. نمونه این امر را در سازمان ملل می‌توان مشاهده نمود. این سازمان به دلیل ساختاری که دارد و جایگاه نامتعادل کشورهای عضو، نتوانسته مشکلات و مسائل جهانی را مستقلاً حل و فصل کند و بیشتر اوقات یکی از کشورهای قدرتمند تصمیم سایر اعضا را وتو می‌کند و به نتیجه خاصی دست پیدا نمی‌کند در این زمینه به نقش و کارکرد سازمان ملل در حل بحران سوریه و یمن می‌توان اشاره نمود که ناشی از همین مسئله عدم استقلال است.

۴-۶- تدوین سناریوهای تأثیرات کرونا بر وضعیت مدیریت سیاسی فضا

وضعیت‌های احتمالی عوامل کلیدی

وضعیت‌ها و حالات مختلف پیش‌روی ۵ عامل کلیدی فوق قابل تصور است که این وضعیت‌های احتمالی در تأثیرات کرونا بر مدیریت سیاسی فضا در مقیاس‌های مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است. بر اساس مطالب بیان شده و باتوجه به عوامل کلیدی مطرح شده ۲۵ حالت و وضعیت مختلف برای ۷ عامل کلیدی طراحی شد که این وضعیت‌ها طیفی از شریط مطلوب تا نامطلوب را دربرمی‌گیرد. بعد از تهیه فهرست وضعیت‌های احتمالی، پرسش‌نامه‌ای به صورت ماتریس متقاطع (منطبق بر نرم‌افزار سناریو ویزارد) طراحی و نتایج پرسش‌نامه داده‌های لازم را برای تدوین سناریوهای پیش‌رو آماده نمود. با عنایت به این مسئله که با هدف تهیه سناریوهای ممکن از ۲۵ وضعیت احتمالی مرتبط با ۵ عامل کلیدی انتظار می‌رود بیش از ۳ هزار سناریوی مختلف از میان وضعیت‌های احتمالی به دست آید. نتایج به‌دست‌آمده از نرم‌افزار سناریو ویزارد نشان می‌دهد که ۷ سناریو با سازگاری قوی و محتمل، ۳۸۶ سناریو با سازگاری ضعیف، پیش‌روی آینده تأثیرات شیوع ویروس کرونا بر وضعیت نظام‌های سیاسی وجود دارد. شکل ۱ تابلوی سناریوهای با سازگاری قوی و به‌نوعی سناریوهای احتمالی را به همراه وضعیت‌های محتمل از نظر بحرانی بودن یا مطلوب بودن نشان می‌دهد. در این تابلوی سناریو، رنگ سبز وضعیت کاملاً مطلوب، آبی کم‌رنگ نشان‌دهنده وضعیت نیمه مطلوب، رنگ زرد بیانگر وضعیت ایستا، رنگ صورتی

وضعیت در آستانه بحران و رنگ قرمز نشان‌دهنده وضعیت بحرانی است. تابلوی سناریوهای قوی از ۱۸ وضعیت احتمالی مختلف تشکیل شده است. همان‌گونه که در شکل شماره ۱ هم مشاهده می‌شود، تعداد وضعیت‌های نامطلوب بر وضعیت‌های مطلوب برتری دارند. از این ۱۸ وضعیت احتمالی، ۲۷/۸ درصد وضعیت بحرانی، ۲۲/۲ درصد در آستانه بحران، ۱۱/۱ درصد وضعیت ایستا، ۲۷/۸ درصد وضعیت نیمه مطلوب و ۱۱/۱ درصد نیز وضعیت مطلوب دارند. در مجموع ۳۸/۱ درصد وضعیت مطلوب و ۵۰ درصد نیز وضعیت نامطلوب داشته‌اند. از ۷ سناریوی محتمل، سناریوهای ۶ و ۷ دارای وضعیت مطلوب، سناریوهای ۱، ۲ وضعیت نامطلوب داشته‌اند. سناریوهای ۵/۴/۳ نیز دارای وضعیت بینابینی بوده‌اند.

جدول ۱. عوامل اصلی و وضعیت‌های احتمالی پیش‌روی آن در آینده تأثیرات کرونا بر مدیریت سیاسی فضا

عامل	عوامل کلیدی	حالت	شرح حالت‌های احتمالی
A	نظام سیاسی (حکومت)	A1	کاهش قابل توجه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی
		A2	کاهش نسبی جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی
		A3	عدم تغییر جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی
		A4	افزایش نسبی جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی
		A5	افزایش قابل توجه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی
B	سیاست‌ها و روابط داخلی (ناسیونالیسم ملی)	B1	کاهش قابل توجه سیاست‌ها و روابط داخلی
		B2	کاهش نسبی سیاست‌ها و روابط داخلی
		B3	تداوم وضعیت موجود سیاست‌ها و روابط داخلی
		B4	افزایش نسبی سیاست‌ها و روابط داخلی
		B5	افزایش قابل توجه سیاست‌ها و روابط داخلی
C	سیاست‌ها و روابط بین‌المللی (سیاست خارجی)	C1	کاهش قابل توجه سیاست‌ها و روابط بین‌المللی
		C2	کاهش نسبی سیاست‌ها و روابط بین‌المللی
		C3	تداوم وضعیت موجود سیاست‌ها و روابط بین‌المللی
		C4	افزایش نسبی سیاست‌ها و روابط بین‌المللی
		C5	افزایش قابل توجه سیاست‌ها و روابط بین‌المللی

D	نظام‌های سیاسی منطقه‌ای	D1	کاهش قابل توجه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای
		D2	کاهش نسبی جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای
		D3	عدم تغییر جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای
		D4	افزایش نسبی جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای
		D5	افزایش قابل توجه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای
E	نظام‌های سیاسی بین‌المللی	E1	کاهش قابل توجه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی جهانی
		E2	کاهش نسبی جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی جهانی
		E3	عدم تغییر جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی جهانی
		E4	افزایش نسبی جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی جهانی
		E5	افزایش قابل توجه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی جهانی

شکل ۲: تخته سناریوهای با سازگاری قوی تأثیرات ناشی از شیوع کرونا بر مدیریت سیاسی فضا

Scenario No. 1	Scenario No. 2	Scenario No. 3	Scenario No. 4	Scenario No. 5	Scenario No. 6	Scenario No. 7
نظام سیاسی (حکومت) کاهش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی	نظام سیاسی (حکومت) کاهش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی	نظام سیاسی (حکومت) عدم تغییر جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی		نظام سیاسی (حکومت) افزایش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی	نظام سیاسی (حکومت) افزایش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی	نظام سیاسی (حکومت) افزایش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی
ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) کاهش توان یوچه ایستادگی و رونق‌دهی	ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) تداوم وضعیت موجود، ایستادگی و رونق‌دهی		ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) تداوم وضعیت موجود، ایستادگی و رونق‌دهی		ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) افزایش توان یوچه ایستادگی و رونق‌دهی	ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) افزایش توان یوچه ایستادگی و رونق‌دهی
ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) کاهش توان یوچه ایستادگی و رونق‌دهی	ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) تداوم وضعیت موجود، ایستادگی و رونق‌دهی		ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) تداوم وضعیت موجود، ایستادگی و رونق‌دهی		ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) افزایش توان یوچه ایستادگی و رونق‌دهی	ایستادگی و رونق‌دهی (استواری) افزایش توان یوچه ایستادگی و رونق‌دهی
نظام‌های سیاسی منطقه‌ای کاهش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای	نظام‌های سیاسی منطقه‌ای کاهش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای		نظام‌های سیاسی منطقه‌ای کاهش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای		نظام‌های سیاسی منطقه‌ای افزایش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای	نظام‌های سیاسی منطقه‌ای افزایش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی منطقه‌ای
نظام‌های سیاسی بین‌المللی کاهش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی بین‌المللی	نظام‌های سیاسی بین‌المللی کاهش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی بین‌المللی		نظام‌های سیاسی بین‌المللی کاهش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی بین‌المللی		نظام‌های سیاسی بین‌المللی افزایش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی بین‌المللی	نظام‌های سیاسی بین‌المللی افزایش توان یوچه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی بین‌المللی

جدول ۲: تخته سناریوهای با سازگاری قوی تأثیرات ناشی از شیوع کرونا بر مدیریت سیاسی فضا

سناریو ۱	سناریو ۲	سناریو ۳	سناریو ۴	سناریو ۵	سناریو ۶	سناریو ۷
A1	A2	A3	A3	A3	A5	A4
B1	B3	B3	B3	B3	B4	B4
C1	C2	C2	C2	C2	C4	C4
D1	D1	D1	D3	D3	D4	D5
E1	E1	E1	E1	E2	E4	E4

۵- نتیجه

در دنیای امروز بیشتر حکومت‌ها و بازیگران و سیاسی سعی دارند به انواع مختلف فضاها تحت امر خود را به بهترین شکل اداره و مدیریت کنند و به سوی فضایی به سامان سوق دهند؛ اما مشکلات و مسائل پیش‌روی بازیگران سیاسی باعث ایجاد چالش‌های جدی در برابر مدیریت مناسب و سوق دادن فضا به سوی به سامان شدن شده است. شیوع بیماری کرونا در چند ماه گذشته و پیامدهای منفی

آن بر فضاهای مختلف باعث بروز مسائل عدیده‌ای در مدیریت سیاسی فضا و مناسبات بین بازیگران سیاسی شده است. از این‌رو مقاله حاضر به بررسی پیامدها و آینده تأثیرات شیوع کرونا بر وضعیت نظام‌های سیاسی و راهبردهای پیش‌روی بازیگران در برابر سناریوهای مختلف پرداخته است، بدین منظور ابتدا ۵ عامل کلیدی مؤثر در وضعیت نظام‌های سیاسی به منظور بررسی تأثیرات شیوع ویروس کرونا بر آن‌ها شناسایی شده و بر اساس آن حالت‌های احتمالی ممکن که برای هر کدا از ۵ عامل کلیدی که می‌شود تصور نمود تدوین شد و در نهایت برای ۵ پیش‌ران اصلی شناخته شده تحقیق، ۲۵ حالت مختلف (عدم قطعیت) در نظر گرفته شد. در بحث آینده‌نگاری مسئله مهم این است که بازیگران حاضر در عرصه بتوانند برای هر حالت و سناریوی ممکن راهبرد خاصی داشته باشند به عبارت دیگر بازیگری در آینده می‌تواند موفق عمل کند که درک بهتری از شرایط مختلف داشته باشد و مبتنی بر شرایط مختلف راهبرد خاصی را در پیش بگیرد، از این‌رو برای بازیگران و مدیران سیاسی فضا مهم‌ترین مسئله داشتن راهبرد مشخص برای هر حالت و سناریوی مختلف است، در این صورت است که بازیگر می‌تواند در آینده تداوم حکومت خود را حفظ کند. از ۱۸ حالت موجود در تخته سناریو ۹ حالت و به عبارتی نصف حالت‌های موجود نشان دهنده احتمال وقوع شرایط بحرانی و نیمه بحرانی است. در تخته سناریو فقط دو حالت مطلوب وجود دارد، تعداد حالت‌های نیمه مطلوب ۵ حالت است و ۲ حالت تداوم وضعیت موجود نیز وجود دارد که به نوعی آن هم در صورت تداوم حالت بحرانی در نظر گرفته می‌شود. به بیانی دیگر می‌توان گفت نتایج استخراج شده از نرم‌افزار سناریو ویزارد نشان می‌دهد که برای آینده نظام‌های سیاسی و مناسبات بین آن‌ها ۷ سناریوی قوی و محتمل وجود دارد که از بین این سناریوها، سناریوهای ۱، ۲ وضعیت نامطلوب داشته‌اند. سناریوهای ۵/۴/۳ نیز دارای وضعیت بینابینی بوده‌اند و سناریوهای ۶ و ۷ دارای وضعیت مطلوب بوده‌اند. نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که به صورت کلی بازیگران با حالت‌های بحرانی باید دست و پنجه نرم کنند و بتوانند راهبردی بچینند که به نوعی با شرایط بحرانی سازگاری داشته باشد، زیرا نتایج نرم‌افزار نشان می‌دهد که امکان اتفاق حالت بحرانی بیشتر از حالات مطلوب است از این‌رو لازم است بازیگران سیاسی (حکومت‌ها) که مهم‌ترین بازیگران صحنه سیاسی دنیا هستند برای مواجهه با شرایط مختلف راهبردهای مختلفی را در پیش بگیرند از این‌رو در ادامه راهبردهای پیشنهادی که حکومت‌ها می‌توانند برای شرایط مختلف در پیش بگیرند تدوین شده که عبارتند از:

۱- راهبرد شرایط بحرانی: تغییر و جایگزینی نظام سیاسی جدید است

به صورت کلی اگر بحرانی‌ترین حالت ممکن یعنی کاهش قابل توجه جایگاه و بازیگری نظام‌های سیاسی چه در سطح ملی، چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح جهانی اتفاق بیافتد راهبرد پیش‌روی بازیگران

در هر سه سطح، تغییر و جایگزینی نظام سیاسی جدید است. در واقع ماندگاری هر سیستمی در هر سطح و مقیاسی بستگی به مقدار توان آن سیستم برای رفع مشکلات و مواجهه مناسب با چالش‌ها و بحران‌ها و حرکت نظام‌مند فضا به سمت به سامان شدن است، اگر نظام‌های سیاسی نتوانند این شرایط را فراهم کنند قاعده طبیعی این است که تغییر یابند و سیستم سیاسی جدیدی با روش جدیدی سرکار بیاید. در مورد مسئله مواجهه با ویروس کرونا توسط نظام‌های سیاسی باید گفت که برخی از نظام‌های سیاسی موجود عملکرد ضعیفی از خود نشان داده‌اند و به نوعی پایداری و و وظیفه اصلی خود را که حفاظت از شهروندان در برابر تهدیدات است را نتوانسته‌اند به خوبی انجام دهند، مقایسه تعداد جانباختگان و مبتلایان به ویروس کرونا را نشان می‌دهد، نتایج این جدول نشان می‌دهد که برخی از کشورهای قدرتمند جهانی در رده‌های نخست از تعداد مبتلایان و جانباختگان قرار دارند و این آمار حاکی از عدم کارایی نظام‌های سیاسی این کشورها برای مواجهه با شرایط بحرانی است و پیامدهای این عدم کارایی علاوه بر کاهش رشد اقتصادی این کشورها شاید در آینده منجر به تغییر نظام سیاسی حاکم شود، به عنوان مثال می‌توان به جایگاه شکننده دولت دونالد ترامپ^۱ پس از شیوع کرونا اشاره کرد که به دلیل سیاست‌های خاص (رقابت با چین) به جای درک مناسب از شرایط واقعی و خطرات این ویروس، به صورتی منفعلانه عمل کرده و در صورت بحرانی‌تر شدن شرایط، امکان اینکه در دور بعدی رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری شکست بخورد بیش از پیش خواهد بود، در مورد نظام‌های سیاسی منطقه‌ای هم باید گفت که عملکرد اتحادیه اروپا به عنوان نمونه کاملی از نظام‌های سیاسی منطقه‌ای در مقابله با کرونا و عدم کمک مناسب به کشورهای عضو همانند ایتالیا و اسپانیا برای مواجهه با این بحران، به نوعی باعث واگرایی بیشتر اعضای این اتحادیه شده و موجودیت آن را تا حدودی تحت الشعاع قرار داده است که در صورت تداوم این بحران و عدم کارایی مناسب این اتحادیه، موجودیت آن با چالش جدی مواجه خواهد شد. در مورد سازمان‌های جهانی هم، همانند سازمان ملل به دلیل عدم استقلال کافی در مقابله مؤثر با این مسئله نتوانسته سیاست منسجمی برای کلیه کشورهای عضو اعلام نماید و به نوعی ماهیت وجودی آن که ناشی از مواجهه مناسب با مشکلات جهانی است زیر سؤال رفته است؛ بنابراین با توجه به مواردی که بیان شد در صورت بحرانی‌تر شدن شرایط، مهم‌ترین راهبرد پیش‌روی بازیگران سیاسی در مواجهه با کرونا تغییر نظام سیاسی حاکم و جایگاه آن است. این راهبرد در مورد مناسبات سیاسی بین حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی منطقه‌ای نیز صادق است و در صورت بحرانی‌تر شدن وضعیت، مناسبات سیاسی بین حکومت‌ها با توجه به تغییر و جایگزینی نظام‌های سیاسی ممکن است کاملاً تغییر کند و رویه جدیدی در پیش گرفته شود و مناسبات بین کشورها خصمانه‌تر و چالش‌آفرین‌تر گردد. در واقع در شرایط فعلی کرونا که همبستگی اجتماعی برای مقابله با این ویروس که یکی از ملزومات اصلی

1. Donald Trump

فضاهای مختلف است، روابط و سیاست‌های داخلی فضاهایی که در آن‌ها وضعیت نامناسبی داشته به بحرانی‌تر شدن شرایط فعلی دامن زده و فضا را به سمت نابسامانی بیشتر سوق داده، نتیجه اینکه در اکثر کشورها فضای همگنی وجود ندارد و سیاست‌های حاکم بر روابط داخلی این کشورها به پازل‌ها و مناطق مختلف داخلی این فضاها را به نوعی در برابر هم قرار داده که همبستگی اجتماعی افراد ساکن را با چالش مواجه کرده و این چالش زمینه را برای بحرانی‌تر شدن شرایط مقابله با ویروس کرونا فراهم نموده، بنابراین در این شرایط راهبرد تغییر سیاست‌های روابط داخلی به منظور مقابله با شرایط بحرانی مناسب‌ترین و بهترین راهبرد ممکن خواهد.

جدول ۲. مقایسه تعداد مبتلایان و جان باختگان بر اثر کرونا در کشورها^۱

نام کشور	تعداد مبتلایان	تعداد جان باختگان
آمریکا	۸۸۶,۷۰۹	۵۰,۲۴۳
ایتالیا	۱۸۹,۹۷۳	۲۵,۵۴۹
اسپانیا	۲۱۹,۷۶۴	۲۲,۵۲۴
فرانسه	۱۵۸,۱۸۳	۲۱,۸۵۶
انگلستان	۱۳۸,۰۷۸	۱۸,۷۳۸
بلژیک	۴۴,۲۹۳	۶,۶۷۹
آلمان	۱۵۳,۳۹۳	۵,۵۷۵
ایران	۸۸,۱۹۴	۵,۵۷۴
چین ^۲	۸۲,۸۰۴	۴,۶۳۲
هلند	۳۵,۷۲۹	۴,۱۷۷

۲- راهبرد شرایط در آستانه بحران و یا نیمه‌بحرانی: بازآفرینی و بازساخت در صورت تداوم وضعیت موجود و وارد شدن به شرایط نیمه بحرانی در آینده، راهبرد پیش‌روی بازیگران سیاسی، بازآفرینی و بازساخت نظام‌های سیاسی موجود است. به نظر می‌رسد شرایط فعلی که در اکثر نظام‌های سیاسی درگیر با کرونا وجود دارد وضعیت و حالت در آستانه بحران بودن است که در صورت عدم بازآفرینی و بازساخت وضعیت موجود ناشی از کرونا، تغییر نظام سیاسی پیش‌روی بازیگران خواهد بود، به عبارت دیگر امر لازم برای عدم ورود به مرحله بحرانی‌تر، تغییر قوانین و ساختارهای سیاسی موجود در چهارچوب حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی فعلی است و به نوعی اصلاح ساختار و قوانین مربوطه نیز خواهد بود. در واقع نظام‌های سیاسی موجود در شرایط فعلی برای بقای خود نیاز به تغییر

۱. آمار تا پنجشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ است. (سازمان بهداشت جهانی)

۲. آمار رسمی اعلام شده کشور چین قابل راستی آزمایی توسط کارشناسان مستقل نیست و نمی‌تواند معتبر و نهایی تلقی شود.

رویه در سیاست‌ها و قوانین خود به نفع مردم و برای سوق دادن بیشتر فضا به سوی به سامان شدن بیشتر است. نحوه مواجهه با کرونا در کشورهای مختلف نشان داد که بیشتر ساختار سیستم‌های فعلی نظام‌های سیاسی از کارآیی مناسبی برای مواجهه با شرایط بحرانی برخوردار نیستند و از شکنندگی زیادی برخوردار هستند، سیستم‌هایی که به محض بروز چالش و مشکلی به سمت بحرانی‌تر شدن شرایط پیش می‌روند. در مورد مناسبات بین بازیگران هم باید گفت تداوم شرایط فعلی فضا را در آستانه بحران قرار می‌دهد و برای جلوگیری از بحرانی‌تر شدن باید ساختار مناسبات سیاسی بین بازیگران چه داخلی و چه خارجی اصلاح و بازآفرینی شود. برای درک بهتر ضرورت این راهبرد کافی است به صد سال قبل و شیوع بیماری آنفولانزای اسپانیایی و میزان تلفات آن مروری داشته باشیم. این ویروس در سال ۱۹۱۸ میلادی در اسپانیا شیوع پیدا کرد و تخمین زده می‌شود که جمعیتی بالغ بر ۵۰ میلیون نفر راکشته و جالب‌تر آن که این بیماری از طریق شهر زیارتی مشهد به سایر نقاط ایران منتقل شد و در نتیجه آن جمعیتی بیش از ۱/۵ میلیون نفر را از بین برد. این رقم در حالی است که جمعیت ایران در آن دوره حدود ۱۱ میلیون نفر بوده یعنی بیش از یک دهم جمعیت ایران را این بیماری به کام مرگ کشانده و کل تلفات این بیماری که در یک قرن گذشته شیوع پیدا کرده بود بیشتر از مجموع کشته‌های دو جنگ جهانی اول و دوم بوده است؛ اما با وجود همه این تجربیات تلخ هنوز بودجه‌های پزشکی و تحقیقاتی دارویی به اندازه یک دهم بودجه‌های نظامی کشورها نیست، به عبارت دیگر تجربه تلخ این بیماری و چندین بیماری کشنده دیگر در یک قرن گذشته باعث نشده که کشورها پیشگیری و مبارزه با این بیماری‌ها را در اولویت مسائل امنیتی کشورها قرار دهند. بر اساس داده‌های انستیتوی تحقیقاتی صلح بین‌المللی استکهلم در سال ۲۰۱۸ میلادی جمع بودجه نظامی کل کشورهای جهان ۱/۸ تریلیون دلار بوده و در این بین بودجه نظامی کشور آمریکا در سال ۲۰۱۸ بیش از ۷۰۰ میلیون دلار بوده اما بودجه مقابله با بیماری‌های واگیر تنها ۷ میلیون دلار است. برای چندین سال گذشته کشورهایی که در جدول بالا در شمار بیشترین تلفات ناشی از کرونا بوده‌اند مشغول ساختن بمب و موشک و سلاح‌های هسته‌ای و کشتار مردم بیگناه سوریه، یمن، افغانستان و در فقر نگه داشتن مردمان بدبخت کشورهای آفریقایی و کشورهای کمتر توسعه یافته بوده‌اند، اما چیزی که امروزه نمایان شده نشان می‌دهد که این خرید و ساختن تفنگ نیست که انسان‌ها را نجات می‌دهد بلکه تهدید اصلی از ناحیه شی ۵ گرمی به نام کووید ۱۹ یا همان کرونا است و این تحقیقات پزشکی و دارویی است که جان انسان‌ها را حفظ می‌کند. شیوع کرونا در اواخر سال ۲۰۱۹ و شیوع آن در اوایل سال ۲۰۲۰ درحالی بوده که سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۱۹ هشدار شیوع بیماری‌های همه‌گیری را به کشورها داده بود اما توجه چندانی به آن نشده بود. بر این اساس به نظر می‌رسد برای شرایط فعلی که در آن قرار داریم تجدید نظر اساسی در ساختارها و سیاست‌های

بازیگران و نوع مناسبات داخلی و خارجی باید صورت گیرد، یقیناً بیمای کرونا آخرین بیماری نخواهد بود که شیوع همه‌گیری خواهد داشت اما می‌توان با تجدید نظر در سیاست‌های فعلی مشکلات ناشی از آن را به حداقل رساند.

۳- راهبرد شرایط تداوم وضعیت موجود: تعدیل مسئولیت‌های بازیگران و مناسبات داخلی و خارجی آنها

برای نظام‌های سیاسی درگیر از تأثیرات کرونا همچون کشورها، اتحادیه‌های منطقه‌ای و سازمان‌های جهانی در صورت تداوم وضعیت موجود به همین منوال شاید راهبرد تعدیل مسئولیت‌ها و نیروهای تحت امر است. این راهبرد در صورتی که وضعیت سیاسی به سمت بحرانی‌تر شدن پیش برود گزینه اصلی پیش‌روی این دو بازیگران سیاسی است، به عبارتی کم کردن از میزان هزینه‌های جاری و تا حد امکان کاستن از مخارج اضافی برای جلوگیری از زیان بیشتر اقتصادی توجیه‌کننده در پیش گرفتن این راهبرد در صورت بحرانی‌تر شدن وضعیت نظام‌های سیاسی جهان به دلیل شیوع این ویروس توسط بازیگران خواهد بود. به عبارت دیگر راهبرد دولت‌ها برای مقابله با ضرر کمتر در صورت بحرانی‌تر شدن شرایط موجود در حوزه مناسبات داخلی کاستن از بار مسئولیت‌های هزینه‌بر است. همانند کاهش بودجه نهادهای عمومی مانند آموزش و پرورش، راه و شهرسازی و واگذاری واحدهای اقتصادی دولتی به بخش خصوصی و ... و در مناسبات خارجی نیز کاهش مقدار و سطح کمک‌های بلاعوض یا وام‌های کم‌بهره به گروه‌های خارجی که به دلیل مقاصد سیاسی انجام می‌شد و یا کم کردن کمک به کشورهای جنگ زده چون افغانستان یا کاهش بودجه سازمان‌های جهانی همچون سازمان بهداشت و ... خواهد بود. در واقع نظام‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی به دلیل تبعات این بیماری تا حدودی کارآیی قبلی خود را از دست داده‌اند و این ناشی از در پیش گرفته شدن سیاست تعدیل مسئولیت‌ها و کوچک‌تر نمودن سازمان‌ها برای کاهش هزینه‌هاست، نمونه این کار را می‌توان در عدم کمک مناسب اتحادیه اروپا به اعضای خود (ایتالیا و اسپانیا) که ناشی از عدم رغبت سایر کشورهای عضو برای کمک فوری بوده دانست؛ به عبارت دیگر کشورها بیشتر سعی می‌کنند سیاست رو به داخل داشته باشند تا رو به خارج.

۴- راهبرد بهبود وضعیت موجود: بهبود و تقویت ساختارهای سیاسی و مناسبات داخلی و خارجی بازیگران

در صورتی که شرایط موجود رو به بهبود برود و وضعیت مناسب‌تر شود، راهبرد پیش‌روی بازیگران سیاسی تقویت ساختارهای موجود باشد تا برای شرایط بحرانی دیگری که بر اساس تجربه تاریخی انسان‌ها همیشه رخ می‌دهد آماده‌تر از وضعیت موجود باشند، در واقع تقویت ساختارهای سیاسی به نحوی که بتوان بیشترین همگرایی و سریع‌ترین تصمیم‌گیری را در کوتاه‌ترین زمان ممکن داشت مناسب‌ترین راهبرد

برای شرایط بهبود وضعیت موجود است، وضعیت موجودی که در آن فضاها به صورت‌های مختلفی به سمت نابسامانی در حرکت بوده در واقع بروز چنین شرایطی شاید زمینه لازم را برای در پیش گرفتن راهبرد تقویت ساختارها و مناسبات در زمان بهبود وضعیت موجود به همراه داشته باشد. تجربه تاریخی انسان‌ها بعد از جنگ و بیماری‌های مهلک اما نشان می‌دهد که انسان‌ها کمتر به دنبال بهبود ساختارها برای به سامان‌تر شدن فضا هستند و بیشتر تمایل دارند که حتی در صورت نابودی فضاهای دیگر به اهداف خود در مناسبات با سایر بازیگران برسند.

منابع

- آجیلی، هادی، بانکیان، نژلا (۱۳۹۵). تأثیر تغییر ساختار قدرت در نظام اقتصاد سیاسی جهانی بر شکل‌گیری دولت رقابتی، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۵، صفحات ۱۶۳-۱۹۰
- امیدی، علی (۱۳۸۸). منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آسه آن، سارک و اکو، تهران، دفتر مطالعه سیاسی و بین‌المللی.
- چانگ، هاجون (۱۳۸۸). دولت توسعه‌گرا، مترجم: آرش اسلامی و میثم قاسم‌نژاد، تهران، انتشارات مرکز مطالعه تکنولوژی دانشگاه شریف
- زکریا، فرید (۱۳۸۸). پسا آمریکایی، مترجم: احمد عزیزی، تهران، هرمس.
- سجاد پور، محمد کاظم (۱۳۹۱). سیاست خارجی و دنیای پرتلاطم، تهران: انتشارات اطلاعات
- طباطبائی، سید محمد؛ جعفرزادگان، امیر (۱۳۹۷). بازیگران فراملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۷ (شماره پیاپی ۵۷).
- عابدی جعفری، حسن، سلمانی، داود و محبوبه رادمند (۱۳۸۹). بررسی نیازهای منابع انسانی برنامه پنجم توسعه: رویکردی آینده‌پژوهی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، صص ۳۴۴-۳۴۵.
- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۹، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، چاپ اول، نشر نی، تهران.
- نامداریان، لیل، حسن زاده، علیرضا، مجیدپور، مهدی (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیر آینده نگاری بر سیاستگذاری علم فناوری و نوآوری مدیریت نوآوری، دوره ۳، شماره ۲، پیاپی ۸، صص ۱۰۲-۷۳.
- موسوی، میر نجف و کهکی، فاطمه‌السادات (۱۳۹۶)، آینده‌پژوهی در آمایش سرزمین؛ انتشارات دانشگاه ارومیه، چاپ اول.
- موسوی، میر نجف و کهکی، فاطمه‌السادات و جلالیان، اسحاق (۱۳۹۶)، تدوین سناریوهای عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری استان آذربایجان غربی با استفاده از سناریو ویزارد؛ فصلنامه گردشگری شهری، دوره ۴، شماره ۳، صص ۴۹-۶۲.
- موسوی، میر نجف و کهکی، فاطمه‌السادات و تقی‌لو، علی‌اکبر و قادری، رضا (۱۳۹۷)، تدوین سناریوهای تحقق‌پذیر آمایش سرزمین (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)؛ فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۹۱-۶۵.
- Agnew, J., 2003, **Contemporary Political Geography: Intellectual Heterodoxy and its Dilemmas**, Political Geography, Vol.66, No. 22, PP.603-606.
- AS, Bojang (2018). **The Study of Foreign Policy in International Relations**, Journal of Political Sciences & Public Affairs, Bojang AS, J Pol Sci Pub Aff 2018,

6:4 DOI: 10.4172/2332-0761.1000337

- Bojang MBS (2017) **Domestic Factors Affecting Foreign Policy Decision Making Process: He Case of He Gambia.**
- Bell, W. (2008), **Foundations of Futures Studies: History, Purposes and Knowledge** New Brunswick, NJ: Transaction, (In Persian)
- Flint, Colin & Taylor, Peter (2007). **Political Geography: World Economy, Nation-State, and Locality**(5th ed.). **Pearson/Prentice Hall.** p. 137. ISBN 978-0-13-196012-1.
- Hartshorne, R., 1954, Political Geography, From: Jones.
- Cohen, S. and Rosenthal, L., 1971, **A Geographical Model for Political Systems Analysis**, Geographical Review, Vol. 61, No. 1, PP. 94.
- Harrison (2018). **Nationalism, Understanding political ideas and movement**, DOI: 10.7765/9781526137951.00012
- Kasperson, R. and Julian, M., 2011, **The Structure of Political Geography**, Publication of Aldine Transaction, Annotated Edition
- Koslowski, R., & Kratochwil, F. V. (1994). **Understanding change in international politics: the Soviet empire's demise and the international system.** International Organization, 48(02), 215. doi:10.1017/s0020818300028174
- Kecmanovic, D. (1996). What Is Nationalism? Path in Psychology, 15–78. doi:10.1007/978-1-4899-0188-0_2
- Roney., C. W. (2010), **Intersections of Strategic Planning and Futures Studies: Methodological Complementarities.** Journal of Futures Studies, 15 (2), 71-100.
- Glenn., J., & Gordon. T. (2003), **A Tool-Box for Scenario Planning**, CD ROM, the Millennium, Project. American Council for the United Nations University.
- McDermott, Patrice (2010). **Building open government**, Government Information Quarterly Volume 27, Issue 4, October 2010, Pages 401-413.